



توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکت‌ها: تحلیلی مبتنی بر آزمون نظریه ترندایک

سمیه شریفی^۱
سیدعلی واعظ^۲
مهدی بصیرت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸

چکیده

هدف این پژوهش توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکت‌ها براساس نظریه ترندایک می‌باشد. در این پژوهش که در بازه زمانی یکساله ۱۳۹۷-۱۳۹۸ صورت پذیرفت، ابزار جمع‌آوری شامل دو بخش پرسشنامه و داده‌های افشا شده در صورت‌های مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بود. در واقع باهدف ارتقای سطح نوآوری در پیوند بین فرآیندهای قضاوتی و کمی در انجام پژوهش‌های حسابداری، جهت جمع‌آوری داده‌های توسعه‌ی پارادایم قضایی از پرسشنامه‌ی استاندارد و جهت جمع‌آوری داده‌های حفاظت از منافع سهامداران از روش تحلیل آنتروپی استفاده شد. سپس مجموع نتایج ارزیابی شرکت‌ها از نظر تاثیرگذاری حسابداری قضایی براساس دو معیار شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران بالا و حفاظت از منافع سهامداران پایین به واسطه‌ی انجام آزمون‌های روش مانوا چند متغیره، تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر و همچنین آزمون‌های تعقیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ی آزمون فرضیه پژوهش نشان داد، پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت بالا از منافع سهامداران نسبت به شرکت‌های حفاظت پایین از منافع سهامداران تفاوت معناداری دارد. در واقع این نتیجه نشان‌دهنده‌ی پیوند پارادایم حسابداری قضایی به عنوان محرک و عاملی برای حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد که باهدف ایجاد یک رویکرد منسجم جهت انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی جهت افزایش حساسیت‌ها نسبت به حفاظت از منافع سهامداران صورت می‌گیرد و کارکردهای اعتمادزایی در بین سهامداران نسبت به شرکت را به همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: نظریه ترندایک؛ پارادایم حسابداری قضایی؛ حفاظت از منافع سهامداران.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Email: sharifi599@gmail.com
۲- استادمعو، دانشیار گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران/دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) sa.vaez@gmail.com
۳- استادیار گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران Email: Mehdi.basirat@yahoo.com

۱- مقدمه

دینفعان اعم از سرمایه‌گذاران، سهامداران و تحلیلگران، ارزش و اهمیت زیادی برای کیفیت، شفافیت و اعتمادپذیری به صورت‌های مالی قائل هستند، چراکه این عوامل را لازمه محافظت از حقوق خود تلقی می‌کنند (کامارادین و همکاران^۱، ۲۰۲۰). یکی از عوامل مؤثر در کاهش اعتمادپذیری نسبت شرکت، گزارش‌ها و صورت‌های مالی بدون شفافیت در ابعاد جزئی‌تر و کاهش حفاظت از سهامداران در ابعاد کلان‌تر، می‌باشد که زمینه‌ساز افزایش ریسک و عدم تقارن اطلاعات می‌گردد و جایگاه اعتبار رقابتی شرکت را زیر سؤال می‌برد (تشدیددی و همکاران، ۱۳۹۸). بازنگری شکست‌ها و رسوایی‌های بزرگ مالی، در دو دهه گذشته، سبب شده تا شک و تردید قابل‌ملاحظه‌ای راجع به صلاحیت رویه‌های حسابداری برمبنای پارادایم‌های علمی مطرح شود، حوادثی که ضرورت نیاز به تغییر در پارادایم حسابداری را به دنبال داشته است (گری و موئسلی^۲، ۲۰۰۶، آولو^۳، ۲۰۱۴). یکی از ابعاد تغییر پارادایم حسابداری، تغییر رویکردهای حسابداری حقوقی یا دادگاهی برای حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد. حسابداری قانونی^۴ یا حسابداری دادگاهی^۵، به عنوان یک وظیفه‌ی نهادی، نقش بررسی انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی را به عهده دارد (پهریل و گاونیوسلی^۶، ۲۰۱۹). اگر قرار باشد از دانش حسابداری در هنگام بروز تخلفات و کشف تقلب‌ها و راه‌های جلوگیری از به وجود آمدن آن استفاده کرد، ناگزیر باید غیر از دانش حسابداری، به مهارت‌های حقوقی و بررسی و تبصره‌ها و مواد قانونی و... نیز آشنا بود (کائاماری‌تیواری و دینناث^۷، ۲۰۱۷). حسابداری دادگاهی به عنوان شاخه‌ای از حسابداری محسوب می‌شود که هدف آن افزایش سطح نظارت‌ها بر عملکردهای مالی شرکت‌ها در جهت توسعه حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد. حفاظتی که هدفش دربرگیرنده سطح و کیفیت افشا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمده و حفاظت از سلب مالکیت یا معاملات شخصی توسط مدیران و سهامداران عمده

است (حسینی و شفیع‌زاده، ۱۳۹۸). مطابق پژوهش‌های شيفر و ویشنی^۸ (۱۹۹۷) و لاپورتا و همکاران^۹ (۲۰۰۰) حمایت از سرمایه‌گذاران، عامل کلیدی مؤثر در توسعه سطح ادراک متعامل بین شرکت با سهامداران می‌باشد. در واقع این تعامل می‌تواند به شکل‌گیری باوری از اعتماد در سهامداران منتهی گردد، که به واسطه وجود رضایت ادراکی در آن‌ها، براساس نظریه تراندیک^{۱۰}، پیوندی از تعهد و وفاداری را ایجاد نماید. در چارچوب این نظریه، توجه به این موضوع مهم است که توسعه ابعاد حقوقی و نظارت‌های قانونی در چارچوب پارادایم حسابداری دادگاهی، می‌تواند محرکی برای توسعه‌ی حفاظت از سهامداران جهت ایجاد تعاملی پایدار با شرکت باشد. شيفر و ولفنسان^{۱۱} (۲۰۰۲) برمبنای تعاملات بین شرکت با سهامداران، حمایت از سرمایه‌گذاران را حمایت از سرمایه‌گذاران بیرونی از طریق اجرای قوانین و مقررات تعریف می‌نمایند که می‌تواند به توسعه اعتمادپذیری براساس ادراک متعامل در بین سهامداران منجر گردد (کاتانیا^{۱۲}، ۱۹۹۹). در واقع براساس نظریه تراندیک این سوال مطرح می‌باشد که، مدیرانی که در واقع مالک شرکت نیستند، چگونه می‌توانند پیگیر منافع سهامداران باشند؟ بنابراین، دلیل اهمیت حمایت از سرمایه‌گذاران در برابر سوء استفاده مدیران، وجود نقش اعتمادپذیری در سطح بازار سرمایه می‌باشد، چراکه سهامداران به عنوان اصیلان همواره در برابر قدرت مدیران به عنوان نمایندگان (وکلا) آن‌ها دارای قدرت تاثیرگذاری کمتری هستند (گل‌محمدی‌شورکی و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، مدیران می‌توانند از قدرت خود برای هدایت ثروت و منافع شرکت به نفع خود، بدون سهم‌کردن سایر سرمایه‌گذاران، استفاده کنند (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۶). در این شرایط، برمبنای نظریه تراندیک، وجود محرک‌هایی همچون ارتقای سطح قابلیت‌های حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز پاسخی به منظور حفاظت بیشتر از حقوق سهامداران حتی در شرایط هزینه‌های نمایندگی باشد (نوبین^{۱۳}، ۱۹۹۹). لذا این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد

اطلاعات مالی به نهادها و سرمایه‌گذاران است که قابلیت اتکاپذیری بالایی از نظر حقوقی داشته باشد. دونگ^{۱۵} (۲۰۱۱) ابعاد حسابداری دادگاهی را در قالب شکل شماره یک ارائه شده است.

در واقع چندبعدی بودن حسابداری قضایی ضمن اینکه می‌تواند به توسعه فرآیندهای مالی و افشای گزارشگری شفاف کمک نماید و باعث کاهش عدم تقارن‌های اطلاعاتی گردد، در عین حال نیز بر مبنای فرآیندهای حسابرسی؛ مدیریت مالی؛ مالیاتی؛ حقوقی نیز می‌تواند به ارتقای سطح اعتماد اجتماعی به عنوان بُعد کارکرد حسابداری اجتماعی کمک شایان توجهی نماید. واژه حسابداری قضایی یک رویکرد تلویحی در پارادایم‌های جدید حسابداری محسوب می‌شود که در راستای یکپارچه‌سازی نقش حسابداری در خلق ارزش‌ها و شفافیت‌ها جهت تصمیم‌گیری‌های سهامداران عمل می‌نماید (سیگلتن و سیگلتن^{۱۶}، ۲۰۱۰).

که آیا توسعه‌ی پارادایم حسابداری قضایی بر حفاظت از منافع سهامداران تحت نظریه ثرندایک تاثیر دارد؟ در این پژوهش در بخش دوم اقدام به ارائه مبانی نظری مرتبط با پژوهش خواهد شد و در بخش سوم روش شناسی پژوهش ارائه می‌گردد تا در بخش چهارم ضمن برازش مدل، آزمون فرضیه پژوهش انجام شود تا در نهایت در بخش آخر این پژوهش، تحلیل‌های تئوریک ارائه شود.

مبانی نظری

حسابداری قضایی

حسابداری قضایی مفهومی توسعه یافته از مباحث حقوق مالی محسوب می‌شود که طیفی از سندسازی‌ها تا پولشویی را در حسابداری نهادها، بنگاه‌های اقتصادی و ... در بر می‌گیرد و دانشی است که زمینه‌ساز پیدایش آن، قوانین و مقررات حاکم بر دنیای تجارت، برای جلوگیری از تقلبات و برخورد با متخلفین است (جیمز^{۱۴}، ۲۰۱۰). این پارادایم در حسابداری مبتنی بر فرآیندی گردآوری و ارائه



شکل (۱) ابعاد حسابداری قضایی (منبع: دونگ، ۲۰۱۱)

توسط سهامداران عمده امری رایج است. میزان سوء استفاده با توجه به ضعف حاکمیت شرکتی می‌تواند شکل‌های متفاوتی به خود گیرد، از جمله می‌توان به فروش دارایی‌ها با قیمت کمتر به سهامداران عمده و یا انتصاب خویشاوندان و پرداخت‌های بیش از حد به آنها با سفارش سهامداران عمده را اشاره نمود (آلتاف و احمدشاه^{۲۰}، ۲۰۱۸). شرکت توسعه و همکاری‌های اقتصادی^{۲۱} (OECD) حقوق سهامداران به صورت مجموعه‌ای از ۷ جزء تعریف نموده است (هایدر^{۲۲}، ۲۰۰۹):

- حقوق اساسی سهامداران که مهمترین آنها شامل نقل و انتقال سهام، دریافت اطلاعات مربوط و با اهمیت در مورد شرکت بطور منظم و به هنگام، حضور و اعمال رای در مجامع عمومی، نصب و عزل اعضای هیئت مدیره، سهمیم بودن در سود شرکت.
- حق شرکت در تصمیمات مربوط به تغییرات بنیادین در شرکت‌ها که شامل اصلاحات اساسنامه یا دیگر اسناد حاکمیتی مشابه، تصویب انتشار سهام اضافی و مبادلات غیرعادی شامل انتقال تمام یا بخش اعظم دارایی‌ها، که منجر به فروش (واگذاری) شرکت می‌شود.
- حق شرکت موثر و رای دادن در مجمع عمومی که مهمترین آنها شامل قرار گرفتن اطلاعات کافی و به هنگام در مورد زمان، مکان و دستور جلسه مجمع عمومی، قرار دادن فرصت مناسب برای سهامداران جهت طرح سوالات و خواسته‌هایشان از هیات مدیره و مشارکت موثر سهامداران در تصمیمات کلیدی حاکمیت شرکتی، مانند نامزدی و انتخاب اعضای هیات مدیره، تسهیل شود.
- افشای ساختارهای سرمایه‌ای که موجب می‌شود سهامداران خاصی به میزان کنترلی نامتناسب با مالکیت دست یابند.

در یک تعریف جامع انجمن حسابداران رسمی آمریکا^{۱۷} (۲۰۱۱)، حسابداری قضایی را شامل کاربرد اصول؛ نظریه‌های حسابداری و حقایق یا فرضیه‌ها در مسائل مربوط به اختلاف‌های دادگاهی (دعوی حقوقی) تشریح می‌نماید که دربرگیرنده‌ی شاخه‌های مختلفی از حسابداری تا حقوق می‌باشد. در واقع نوعی کاربرد مهارت‌های حسابداری با یک ذهنیت کاوشگری نسبت به یک سری مسائل مالی در چارچوب قوانین و مقررات می‌باشد که مبنای آن اسناد و مدارک قابل اتکای حسابداری است (فخاری و اسکو، ۱۳۹۷). انجمن بازرسان خبر^{۱۸} (۲۰۱۴) در تعریف حسابداری قضایی اشاره به کاربرد و استفاده از مهارت‌های تخصصی حسابداری در امور مربوط به حقوق مدنی بالقوه یا بالفعل یا دعوی کیفری قضایی (حقوقی) است و به طور کلی شامل اصول پذیرفته شده حسابداری، هزینه فرصت از دست رفته، درآمد، دارایی و یا ضایعات و خسارت، ارزیابی کنترل‌های داخلی، تقلب و هر موضوع و مواردی است که دربرگیرنده تخصص و تجربه حسابداری در نظام حقوقی می‌باشد، اما محدود به اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری نمی‌باشد.

حفاظت از منافع سهامداران^{۱۹}

مطالعات بسیاری پیرامون تاثیر مثبت حفاظت از منافع سهامداران بر پیشرفت مالی شرکت‌ها صورت پذیرفته است. حفاظت قانونی مطلوب از سهامداران باعث افزایش اشتیاق آنها در خرید دارایی‌های مالی بیشتر نظیر سرمایه و بدهی می‌شود چراکه بیشتر سود یک شرکت به جای اینکه توسط افراد داخل شرکت مصادره شود به سوی آنها سرازیر می‌گردد (زیوری کامران و فخاری، ۱۳۹۸). در عوض، حفاظت از منافع سهامداران و کاهش سوء استفاده‌های افراد داخل شرکت باعث تسهیل روند سرمایه‌گذاری مالی شرکت‌ها در خارج از شرکت و در نتیجه توسعه بازارهای مالی می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). حمایت از سهامداران یک موضوع حیاتی است، چون در بسیاری از کشورها سوء استفاده از سهامداران خرد

- کارآیی و شفافیت‌ساز و کارهای حاکم بر انجام معاملات عمده (بلوک‌های کنترلی) سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار
- تسهیل شرایط اعمال حقوق مالکیتی سهامداران، شامل سهامداران نهادی
- امکان مشورت سهامداران با یکدیگر در مورد موضوعات مربوط به حقوق اساسی سهامداری خود (جلیلی و معصوم‌پور، ۱۳۹۷).

نظریه ثراندیک بر مبنای محرک‌های رفتاری

محرک‌های رفتاری به عنوان مبنایی برای ایجاد بینش ادراکی در کارکردهای عملکردی شرکت‌ها قابل بسط می‌باشد. در واقع شکل‌گیری ادراک‌های متعالی بر مبنای محرکی از یک نهاد می‌تواند به ایجاد پایداری در رفتار و تعاملات بین یک شرکت با سهامداران منجر شود. ثراندیک به عنوان یک نظریه‌پرداز در حوزه‌های روانشناسی اجتماعی، براساس ایجاد ارتباط و پیوند بین محرک-عمل در ابعاد کلان‌تر همچون تعامل با سهامداران و نه صرفاً بر مبنای تاثیرگذاری روانشناختی بر آنان، نظریه ثراندیک را مطرح نمود (ریوی و بوناچی^{۲۳}، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، نظریه ثراندیک با ایجاد یک پیوند بین ادراک‌های منسجم از محرک‌های عملکردی (عینی‌گرایانه)، تلاش می‌نماید مبنای رفتاری قابل پیش‌بینی بالاتری (مثل اعتماد سهامداران) را توجیح نماید و دلیل تداوم یک رفتار اجتماعی همچون اعتماد را بر این اساس استدلال نماید. در واقع این نظریه وجود ادراک‌های متعالی را نتیجه ارتباط شکل‌گرفته میان محرک یک نهاد همچون شرکت و پاسخ آن همچون ارتقای حفاظت از منافع سهامداران می‌داند که اصطلاحاً پیوند بین کارکردهای محرک با مبنای رفتار اجتماعی سهامداران می‌تواند محسوب شود (چانگ یانگ و کرونشاو^{۲۴}، ۲۰۱۰). این نظریه همچنین بر مبنای عینیت‌گرایی، سطح کنش‌گرایی را مبتنی بر شکل‌گیری رفتارهای متعامل تشریح می‌نمایند و

روند رشد عینیت‌گرایی همچون محرک‌هایی مثل حسابداری قضایی را نه الزاماً براساس اندیشه‌های فردی مثل مدیر، بلکه به عنوان یک مبنای عمل‌گرایانه‌ی نهادی در ابعادی کلان‌تر با تفسیرهای اجتماعی مثل سهامداران مبنی بر اعتماد، گره زده است (استینگر^{۲۵}، ۱۹۷۹). طرفداران این نظریه، وجود واقع‌گرایی در کارکردهای ارتباطات اجتماعی همچون سطح تعاملات به عنوان یک بده بستان را مهمترین دستاورد این نظریه در ابعاد اجتماعی تشریح می‌کنند و از آن به عنوان فرآیندی از یادگیری اجتماعی براساس واقعیت‌های عملکردی یاد می‌کنند.

ارتباط تئوریک حسابداری قضایی با حفاظت از

سهامداران براساس نظریه ثراندیک

حسابداری قضایی به عنوان یک بُعد نظارتی توسط نهادهای حقوق و قانونی محسوب می‌شود که ضمن اینکه دارای الزامات حقوقی برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای گزارشگری مالی؛ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها محسوب می‌شود (دیانتی‌دیلمی و همکاران، ۱۳۹۷)، در عین حال دارای ابعاد روانی و شناختی بر سهامداران در رعایت حقوق آن‌ها در عملکردهای رقابتی شرکت‌ها می‌باشد. از این منظر پایبندی به رویه‌های قانونی و شناخت قوانین توسط شرکت می‌تواند به ایجاد اعتماد عمومی بیشتر در تعامل بین شرکت با سهامداران منتهی گردد و از نظر رقابتی شرکت را در موقعیت بهتری قرار دهد. در واقع باتوجه به نقش حسابداری قضایی مبنی بر تلاش جهت بررسی انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی، می‌توان انتظار داشت تا حساسیت‌ها نسبت به حفاظت از منافع سهامداران به عنوان یک باور دارای اعتماد در سطح بازار سرمایه گسترش یابد (برون و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۳). از منظر نظریه ثراندیک، که اشاره به محرک و جذب پاسخ همسو با محرک ارائه شده دارد، می‌تواند بیان نمود، حسابداری قضایی محرکی برای تقویت سطح اعتماد

سازوکارهای نظارت خارجی جهت حفاظت از منافع سهامداران می‌تواند در محدود ساختن ریسک سقوط قیمت سهام و توسعه‌ی ابعاد اعتمادسازی در سطح بازار سرمایه نقش موثری را ایفا نماید (بورکارت و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۴). از طرف دیگر گریم و همکاران^{۳۰} (۲۰۱۶) نقش رویکردهای حقوقی در عملکردهای مالی شرکت‌ها را عاملی مهم برای وجود استراتژی‌های حفاظت از منافع سهامداران تلقی می‌کند و براساس یک مبنای رقابتی، وجود حسابداری قضایی را دارای ارزش برای توسعه‌ی تعاملات خود با سهامداران تلقی می‌نماید. همچنین آگراوال^{۳۱} (۲۰۱۳) یکپارچه‌سازی نظارت‌های حاکمیتی با ابعاد حقوقی و قوانین مرتبط با مباحث مالی و حسابداری را به عنوان یک مبنای توسعه‌ی پایدار تشریح می‌نماید و تقویت مزیت رقابتی یک شرکت را در ایجاد همسویی بین قوانین و مقررات مالی با استراتژی‌های حفاظت از منافع سهامداران جهت افزایش سطح اعتماد عمومی تعبیر می‌کند. در واقع براساس وجود نظارت‌های حقوقی بر عملکردهای مالی، سازوکارهای نظارتی، وجود رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران را کنترل می‌کند و این موضوع می‌تواند به افزایش سطح اعتمادپذیری سهامداران به عنوان یک ادراک فراگیر در بازار رقابتی منتهی گردد (آرمور و همکاران^{۳۲}، ۲۰۰۹؛ امدن^{۳۳}، ۱۸۸۴). لذا باتوجه به توضیح‌های داده شده، فرضیه پژوهش به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

فرضیه پژوهش

پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت بالا از منافع سهامداران نسبت به شرکت‌های حفاظت پایین از منافع سهامداران تفاوت معناداری دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود که تاثیر پارادایم حسابداری قضایی، بر روی متغیرهای وابسته یعنی حفاظت از منافع سهامداران مورد

عمومی از طریق رویکردهای نظارتی بیشتری جهت حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد. در واقع این نظریه سطح رضایت از عملکردهای شرکت را به عنوان یک عمل مورد انتظار تعبیر می‌نماید و در مقابل نسبت به محرک ایجاد شده، واکنش مثبت نشان می‌دهند که این واکنش بدلیل تاثیرگذاری بر ویژگی‌های ادراکی و سطح رضایت درونی که به واسطه‌ی محرک حفاظت از حقوق آن‌ها صورت می‌گیرد، می‌تواند دارای ثبات بیشتری نسبت به سایر محرک‌ها و پاسخ‌های موقتی باشد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۸). وجود این بینش در رویکردهای استراتژیک رقابتی در سطح تعامل شرکت با ذینفعان، پیوندی از تعامل بین عملکرد با رفتارهای قابل پیش‌بینی را همسو با مفاهیم نظریه یادگیری ثراندیک ایجاد می‌نماید (کارادات^{۳۷}، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر براساس مفهوم این نظریه محرکی همچون وجود نظارت‌های حقوقی به عنوان مبنایی برای ارائه‌ی گزارشگری مالی به نهادها و سهامداران، نوعی کامیابی مبتنی بر رضایت را در سهامدار ایجاد می‌نماید و این موضوع پیوند محکم‌تری از حفاظت از منافع سهامداران در قالب اعتماد عمومی به عنوان پاسخ نسبت به یک محرک یعنی حسابداری قضایی را بنا می‌نماید (هسو و واسزاک^{۳۸}، ۲۰۱۲). می‌توان اینطور استنباط نمود که با افزایش سطح رویکردهای دانش‌افزا در حسابداری قضایی در یک شرکت که باهدف جلوگیری از تقلب؛ تحریف و تخلفات مالی همسو با قوانین و مقررات صورت می‌پذیرد، سطح حفاظت از منافع سهامداران نیز به عنوان یک مبنای نظارت اجتماعی در ساختار حاکمیت شرکت جهت پیشبرد منافع سهامداران، باعث شکل‌گیری تداوم پایداری بیشتر در سطح بازار سرمایه شود، تداومی که پیوند بین محرک و عمل یعنی ایجاد شفافیت‌های بیشتر توسط شرکت و حفاظت از منافع سهامداران را همسو با نظریه ثراندیک تقویت می‌نماید و باعث تقویت کارکردهای رقابتی شرکت در سطح بازار می‌گردد. شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد که وجود رویکردهای دادگاهی محرکی برای توسعه‌ی

سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند و پرسشنامه مذکور برای مدیران این شرکت‌ها ارسال گردید که در نهایت پس از پیگیری‌های فراوان، ۱۱۰ پرسشنامه تکمیل و برگشت داده شد و به عنوان نمونه نهایی برای تجزیه و تحلیل استفاده گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از روش پیش‌آزمون - پس‌آزمون با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش توسعه پارادایم حسابداری قضایی می‌باشد. برای سنجش این متغیر از پرسشنامه‌ی هامدن (۲۰۱۸) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل سه بخش مهارت‌ها در حسابداری قضایی^{۳۸}؛ ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی^{۳۹} و مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی^{۴۰} می‌باشد. این پرسشنامه به دلیل استاندارد بودن از نظر روایی مورد تایید قرار گرفت. از نظر پایایی نیز این پرسشنامه برابر ۰/۹۱ ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است. این پرسشنامه براساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از بسیار زیاد (۵)؛ زیاد (۴)؛ تاحدی (۳)؛ کم (۲) و بسیار کم (۱) تشکیل شده است که براساس سه معیار یاد شده، توسعه پارادایم حسابداری قضایی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. این پرسشنامه شامل ۱۲ سوال و سه بُعد قابل سنجش می‌باشد و به منظور کاربرد آن در این پژوهش بر مبنای نمره‌گذاری پرسشنامه که براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بود، جمع امتیاز متعلق به هر پرسشنامه به کل امتیاز قابل اکتساب (۶۰)، به‌عنوان سطح توسعه‌ی پارادایم حسابداری قضایی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد.

سنجش قرار گرفت. متغیر مستقل پارادایم حسابداری قضایی است که تاثیر آن از نظر معنادار بودن تفاوت بر حفاظت از منافع سهامداران در قالب دو گروه حفاظت از منافع سهامداران بالا و حفاظت از منافع سهامداران پایین مورد بررسی قرار گرفت. متغیر مستقل پژوهش از طریق پرسشنامه استاندارد و متغیر وابسته از اطلاعات صورت‌های مالی افشا شده‌ی شرکت‌های بورس اوراق بهادار استخراج گردد. براین مبنا این پژوهش با توجه به روش جمع‌آوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی - همبستگی می‌باشد. به عبارت دیگر، داده‌های مورد نیاز براساس یک بررسی پیمایشی جمع‌آوری گردیدند. لازم به توضیح است که پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش جهت سنجش متغیر مستقل استفاده شده است، چراکه به پیروی از پژوهش‌های پیشین روشی موثر در جمع‌آوری داده‌ها از میان یک نمونه بزرگ محسوب می‌شود (مائل و اشفورت^{۳۴}، ۱۹۹۲؛ دشپانده و همکاران^{۳۵}، ۱۹۹۳؛ چن و همکاران^{۳۶}، ۲۰۰۹؛ بروبرگ و همکاران^{۳۷}، ۲۰۱۳). دوره‌ی پرسشگری از آزمودنی‌ها ۶ ماه بین سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بوده است. این پژوهش، براساس ماهیت هدف، در دسته پژوهش‌های کاربردی و از نظر نوع داده، در دست پژوهش‌های توصیفی - همبستگی می‌باشد. داده‌های پژوهش در مورد متغیر وابسته از گزارش‌های افشای شده‌ی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۷ است. نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- (۱) شرکت‌هایی که از ابتدا تا انتهای سال ۱۳۹۷ در عضویت بورس اوراق بهادار باشند.
- (۲) طی سال مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- (۳) ۳- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های

متغیر وابسته

در این پژوهش متغیر وابسته، حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد که به پیروی از پژوهش‌های پرساکیس و ایترادیساک^۴ (۲۰۱۶) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۷) از مبنای تحلیلی آنتروپی برای سنجش استفاده می‌شود. در این مبنای تحلیلی که یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره با خاصیت وزن‌دهی به کمک تحلیل تاپسیس می‌باشد براساس شاخص‌هایی شامل تمرکز مالکیت؛ ویژگی‌های راهبری؛ حق رای سهامداران و اثربخشی کنترل داخلی مورد سنجش قرار گرفت. فرآیند انجام تحلیل ماتریسی آنتروپی طبق روابط زیر تعریف می‌شود. براین مبنا ابتدا P_{ij} متناسب با رابطه ۱ محاسبه می‌شود:

رابطه (۱)

$$P_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sum_{i=1}^m X_{ij}} ; \forall i,j$$

مرحله دوم، محاسبه شاخص عدم اطمینان است. برای این منظور ابتدا ارزشی به نام E_{ij} به صورت رابطه ۲ محاسبه می‌شود. سپس عدم اطمینان یا درجه انحراف d_i که بیان می‌کند شاخص مربوط به چه میزان اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری در اختیار تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهد، به دست می‌آید. این عدم اطمینان به کمک رابطه ۳ محاسبه می‌شود.

رابطه (۲)

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m (P_{ij} \times \ln P_{ij}) ; \forall i,j, k ; k = \frac{1}{\ln m}$$

رابطه (۳)

$$d_j = 1 - E_j ; \forall j$$

در نهایت وزن شاخص‌ها مطابق رابطه ۴ محاسبه می‌شود.

رابطه (۴)

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}$$

در صورتی که تصمیم‌گیرنده از قبل وزن خاصی λ_j را برای شاخص در نظر گرفته باشد، وزن جدید W'_j به صورت رابطه ۵ محاسبه می‌شود.

رابطه (۵)

$$W'_j = \frac{\lambda_j W_j}{\sum_{j=1}^n \lambda_j W_j}$$

پس از شناخت رابطه‌های تحلیلی، می‌بایست به این نکته توجه نمود که، در انجام فرآیند این تحلیل براساس معیارهای یادشده، شرکت‌هایی که رتبه بالاتری را از وجود معیارهای بیان شده دریافت نمایند، به عنوان ویژگی دارای حفاظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شوند. براساس این فرآیند ماتریس تحلیلی زیر جهت نمونه ارائه شده است.

جدول (۱) ماتریس تحلیلی حفاظت از منافع سهامداران

معیارها شرکت-سال	تمرکز مالکیت	حق رای سهامداران	اثربخشی کنترل داخلی	ویژگی‌های راهبری
Y_1	$Y_{1,2}$	Y_{1m}
Y_2	$Y_{2,2}$	Y_{2m}
\vdots	\vdots	\vdots	\vdots	\vdots
Y_n	Y_{nm}	Y_{nm}

طبق ماتریس تحلیلی آنتروپی ایجاد شده، گزینه برتر می‌بایست کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (شاخص مطلوب) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (شاخص منفی) داشته باشد. در این ماتریس، شاخصی که دارای مطلوبیت یکنواخت افزایشی (جنبه مثبت) است، شاخص مطلوبیت نامیده

می‌شود و شاخصی که مطلوبیت یکنواخت کاهشی (جنبه منفی) دارد، شاخص زیان است. براساس جدول (۱) شاخص‌های تفکیک‌کننده شرکت‌های دارای حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران، از مطلوبیت افزایشی (جنبه مثبت) برخوردارند. بنابراین، شاخص مطلوبیت به حساب می‌آیند. همچنین، از آنجاکه شاخص‌ها برای

صورت فاصله‌ای و براساس امتیازهای مربوط درباره وضعیت هریک از عناصر در شرکت‌های مورد بررسی تدوین می‌شود. سپس براساس راه حل ایده‌آل مثبت و در گام سوم راه حل ایده‌آل منفی تعیین می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌شود، هیچکدام از عناصر تعیین شده، ایده‌آل منفی بالاتری از ایده‌آل مثبت ندارند و این موضوع نشان‌دهنده تاثیرگذار بودن تمامی عناصر در حفاظت از منافع سهامداران می‌باشد. در نهایت در گام آخر گزینه‌ها براساس فرآیند Q رتبه‌بندی می‌شود. براین اساس ابتدا گزاره‌های S_i^U ، S_i^L ، R_i^U ، R_i^L محاسبه شود، سپس با مشخص شدن مقدار آن‌ها، تاثیرگذارترین عنصر براساس معیار Q تعیین می‌گردد.

تصمیم‌گیرنده اهمیت یکسانی ندارد، نخست وزن شاخص‌ها براساس روش ماتریسی آنتروپی به دست آمد و سپس به الگوریتم تاپسیس وارد شدند. برای رتبه‌بندی به روش تاپسیس، در گام اول و دوم ماتریس تصمیم براساس معیارها و وزن عناصر در قالب حد پایین (L) و حد بالا (U) براساس دو بُعد ماتریس تصمیم نرمال و ماتریس تصمیم نرمال موزون مورد برازش قرار می‌گیرند.

باتوجه به وزن نهایی هریک از معیارها مشخص می‌شود، مقدار ناسازگاری زیر $0/1$ را دارا می‌باشند، براین اساس می‌توان وارد گام سوم و چهارم شود. در این گام پس از محاسبه وزن معیارهای پژوهش، ماتریس تصمیم مسئله تشکیل می‌شود این ماتریس به

جدول (۲) فرآیند تحلیل ماتریس نرمال تصمیم

عناصر	وزن عناصر		وزن نهایی عناصر	
	حد پایین (L)	حد بالا (U)	حد پایین (L)	حد بالا (U)
تمرکز مالکیت	۰/۲۸۱	۰/۳۶۳	۰/۲۶۸	۰/۳۶۳
حق رای سهامداران	۰/۱۵۴	۰/۲۱۷	۰/۱۳۹	۰/۲۱۷
اثربخشی کنترل داخلی	۰/۴۳۲	۰/۵۱۰	۰/۴۰۳	۰/۵۱۰
ویژگی‌های راهبری	۰/۳۲۵	۰/۴۱۶	۰/۲۹۹	۰/۴۱۶

جدول (۳) تعیین ایده آل‌های مثبت و منفی هریک از عناصر حفاظت از منافع سهامداران

سطح مطلوبیت	عناصر			
	تمرکز مالکیت	حق رای سهامداران	اثربخشی کنترل داخلی	ویژگی‌های راهبری
سطح مطلوبیت مثبت (f_j^+)	۲۳/۱۲	۳۰/۲۸	۲۶/۱۷	۲۷/۱۴
سطح مطلوبیت منفی (f_j^-)	۱۵/۱۵	۱۷/۹۶	۱۷/۲۰	۱۷/۳۷

جدول (۴) تعیین تاثیرگذارترین عنصر در حفاظت از منافع سهامداران

عناصر مورد نظر	S_i^U	S_i^L	R_i^U	R_i^L	Q_i^U	Q_i^L
تمرکز مالکیت	۱/۸۸۶۲۷۷	۲/۵۴۶۵۶۰۵	۰/۴۷۱۶۲۳	۰/۷۸۱۶۲۰	۰/۶۳۲۶۵۵	۰/۸۱۱۲۳۵۲
حق رای سهامداران	۱/۹۱۸۹۲۴	۲/۷۹۸۹۰۲	۰/۵۱۰۰۱۳	۰/۸۰۸۷۲۶	۰/۶۷۳۶۵۷	۰/۸۵۱۶۵۲۶
اثربخشی کنترل داخلی	۱/۱۱۲۱۶۸	۲/۲۸۱۷۷۷	۰/۳۵۲۷۱۸	۰/۴۹۳۰۹۰	۰/۴۴۲۹۷۵	۰/۶۱۸۲۷۳۴
ویژگی‌های راهبری	۱/۵۰۶۷۳۲	۲/۳۲۱۷۲۸	۰/۳۷۷۷۱۶	۰/۵۳۴۲۶۶	۰/۴۹۰۲۹۷	۰/۶۹۴۴۳۸۱
معیارهای سنجش	گزاره‌ها		S^*	S^-	R^*	R^-
	مقدار گزاره‌ها		۰/۷۰۰۲۸۶	۳/۱۷۲۶۷۷	۰/۵۲۶۳۵۹	۱

تمامی ضرایب مولفه‌ها بیش از ۰/۷ می‌باشد که تاییدکننده‌ی ابزار پژوهش از نظر پایایی است.

جدول (۵) پایایی پرسشنامه

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	مولفه‌ها
۰/۱۱	۱۲	پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران
۰/۲۵	۱۲	پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های بدون حفاظت از منافع سهامداران

از طرف دیگر باتوجه به اینکه سنجش متغیر حفاظت از منافع سهامداران براساس تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره جهت تعیین پایاترین ویژگی‌ها و شاخص‌های راهبری استفاده شده است، براین مبنا می‌توان بیان نمود، این متغیر نیز از پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

جمعیت‌شناسی پژوهش

به منظور آشنایی با خصوصیات نمونه آماری، اطلاعات جمعیت‌شناسی پژوهش در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶) جمعیت‌شناختی پژوهش

متغیر	بخش کمی	
	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۹۲،۷۲٪
	زن	۷،۲۸٪
	جمع	۱۱۰٪
سن	کمتر از ۴۰ سال	۳۱،۸۱٪
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۴۴،۵۴٪
	بیشتر از ۵۰ سال	۲۳،۶۵٪
	جمع	۱۱۰٪
سابقه کاری	کمتر از ۲۰ سال	۸۷،۲۷٪
	بیشتر از ۲۰ سال	۱۲،۷۳٪
	جمع	۱۱۰٪

همانطور که مشخص است، بالاترین عنصر تاثیرگذار بر حفاظت از منافع سهامداران، عنصر حق رای سهامداران می‌باشد. اما باتوجه به فرآیند تحلیلی و دستورالعمل‌های این تحلیل، می‌بایست از معکوس تحلیل ماتریسی آنتروپی به عنوان تاثیرگذارترین عنصر مورد توجه در حفاظت از منافع سهامداران، استفاده گردد. زیرا براساس این تحلیل پایین‌ترین سطح Q نشان دهنده‌ی تاثیرگذاری عنصر مربوطه می‌باشد. بر این اساس نتایج نشان داد، پایین‌ترین عنصر مورد توجه در حفاظت از منافع سهامداران، عنصر اثربخشی کنترل داخلی با میزان ۰/۶۱۸ می‌باشد. همچنین عنصر بعدی نیز ویژگی‌های راهبری شرکتی با میزان Q برابر با ۰/۶۹۴ می‌باشد. حال به منظور تعیین سطح حفاظت از منافع سهامداران، برحسب دو عنصر بدست آمده از میزان Q بالا و پایین، براساس ماهیت تحلیلی این پژوهش که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌باشد، براساس تکنیک پنجم‌بندی، ۱۱۰ شرکت بررسی شده را در قالب ۵ گروه دارای حفاظت از منافع سهامداران بالا (۵ امتیاز)؛ حفاظت از منافع سهامداران خوب (۴ امتیاز)؛ حفاظت از منافع سهامداران متوسط (۳ امتیاز)؛ حفاظت از منافع سهامداران ضعیف (۲ امتیاز)؛ حفاظت از منافع سهامداران خیلی ضعیف (۱ امتیاز)؛ براساس دو معیار اثربخشی کنترل داخلی و ویژگی‌های راهبری شرکتی، تفکیک شدند.

روایی و پایایی

همانطور که تشریح گردید پرسشنامه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به منظور ارتقای سطح اثربخشی بررسی، بر مبنای جامعه هدف این پژوهش، مورد جرح و تعدیل جزئی قرار گرفت تا بتواند به انسجام ادراکی بیشتر مشارکت‌کنندگان پژوهش کمک نماید. براین اساس مجدداً سوال‌های پرسشنامه مربوط به پارادایم توسعه حسابداری قضایی بین متخصصان توزیع شد و مورد تایید قرار گرفت تا باتوجه به شرایط شرکت‌های بازار سرمایه، پارادایم حسابداری قضایی توسعه یابد. همچنین به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که همانطور که مشاهده می‌شود،

تعاملی با ذینفعان مربوط به خلق ارزش برای ذینفعان با میانگین ۴/۱۸۵ می‌باشد که نشان می‌دهد، ذینفعان در سطح بازار سرمایه اعم از سرمایه‌گذاران تا قانونگذاران و تحلیلگران، ایجاد ارزش برای ارتقای سطح کارکردهای تعاملی و جذابیت‌های بیشتر جهت سرمایه‌گذاری را مهم تلقی می‌نمایند.

براساس نتایج کسب شده مشخص گردید از میان سه مولفه‌ی پارادایم حسابداری قضایی، بالاترین میانگین مربوط به سطح مهارت‌ها در حسابداری قضایی است که میانگینی برابر با ۳/۸۷۱ دارد و این به معنای آن است که وجود استانداردها و گواهینامه‌های مرتبط به این حوزه در سطح فرآیندهای عملکردی شرکت می‌تواند به افزایش بازده رقابتی بیشتر شرکت در فضای بازار سرمایه کمک نماید. از طرف دیگر مشخص شد بالاترین میزان انحراف معیار مولفه‌های پارادایم حسابداری قضایی مربوط به مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی می‌باشد که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان نسبت به سطح دانش حقوقی و توانمندی‌های مربوط به شناخت قوانین و تفسیر آن‌ها در انجام رویه‌های مالی دارای رویکردهای متفاوت بروی طیف لیکرت بودند. همچنین مشخص شد میانگین اثربخشی کنترل داخلی و ویژگی‌های راهبری شرکتی به عنوان مبنای سنجش حفاظت از منافع سهامداران به ترتیب برابر با ۰/۴۸۷ و ۰/۵۶۳ می‌باشد.

همانطور که نتایج آمار جمعیت شناختی مشخص می‌باشد، از مجموع ۱۱۰ نفر مشارکت‌کننده در این پژوهش، ۱۰۲ نفر معادل ۹۲،۷۲ درصد مشارکت‌کنندگان مرد و ۷،۲۸ درصد مشارکت‌کنندگان زن می‌باشند. از مجموع ۱۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان پژوهش تعداد ۳۵ نفر کمتر از ۴۰ سال، همچنین ۴۴،۵۴ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و بیشتر از ۵۰ سال شامل ۲۶ نفر بودند. در نهایت مشخص شد ۹۶ نفر کمتر از ۲۰ سال و ۱۴ نفر بیشتر از ۲۰ سال دارای سابقه مدیریتی بودند.

آمار توصیفی

جدول (۷)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود مقادیر میانگین و میانه مربوط به قابلیت تعاملی با ذینفعان به ترتیب برابر ۳/۹۷۱ و ۳/۹۱۶ بوده که بیانگر تاثیرگذاری قابل توجه این متغیر بر کارکردهای تعاملی شرکت‌ها با ذینفعان می‌باشد. ضمن این‌که مقادیر حداقل و حداکثر این متغیر نیز گویای این ادعا است. همچنین، میانگین و میانه شاخص‌های محتوای اطلاعاتی در گزارشگری مالی به ترتیب برای بیان صادقانه صورت‌های مالی برابر با ۰/۹۰۹ و ۰/۹۲۵ و برای به‌موقع بودن صورت‌های مالی ۲۴/۳۸۴ و ۲۲/۵ بوده است. همچنین مشخص گردید، بالاترین میزان میانگین در بین سه بعد قابلیت

جدول (۷) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
مهارت‌ها در حسابداری قضایی	۳/۸۷۱	۳/۹۳۳	۲/۶۱۵	۵/۰۰۰	۰/۵۶۸
ابزارها و رویه‌ها در حسابداری قضایی	۳/۷۷۴	۴/۰۰۰	۲/۳۶۸	۵/۰۰۰	۰/۶۳۵
مباحث حقوقی مرتبط با زمینه‌های مالی و حسابداری قضایی	۳/۱۰۳	۳/۵۱۵	۲/۰۸۱	۵/۰۰۰	۰/۸۴۲
اثربخشی کنترل داخلی	۰/۴۸۷	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۱۲
ویژگی‌های راهبری شرکتی	۰/۵۶۳	۰/۵۹۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۱۱۵

آمار استنباطی

در این بخش ابتدا با استفاده از داده‌ها به بیان یافته‌های حاصل از آنها پرداخته و سپس از طریق تحلیل آن به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. هدف از بررسی پیش‌فرض نرمال بودن آن است که نرمال بودن توزیع نمرات همسان با جامعه را مورد بررسی قرار دهد. این پیش‌فرض حاکی از آن است که تفاوت مشاهده شده بین توزیع نمرات گروه نمونه و توزیع نرمال در جامعه برابر با صفر است. بدین منظور از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید. نتایج حاصل از اجرای این پیش‌فرض در مورد نمرات متغیرهای این پژوهش در جدول زیر آمده است.

همانطور که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات در همه متغیرهای پژوهش باقی است یعنی توزیع نمرات نمونه نرمال و همسان با جامعه است (همه سطوح معنی داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد). هدف از بررسی

پیش‌فرض برابری واریانس‌ها، بررسی مساوی بودن واریانس‌های گروه‌هاست. بدین منظور از آزمون لوین استفاده شده است. نتایج، در جدول زیر آورده شده است.

همانطور که در جدول (۱۰) دیده می‌شود، پیش‌فرض لوین مبنی بر برابری واریانس‌ها در گروه‌ها در متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون، پس از آزمون در جامعه رد نشده و باقی مانده است. لذا این پیش‌فرض تأیید می‌شود. به منظور بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر بردار متغیرهای وابسته از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانووا) استفاده می‌شود. فرض رویکرد تحلیل واریانس چند متغیره این است که بردار متغیرهای وابسته از یک توزیع نرمال چندمتغیره پیروی کرده و ماتریس واریانس در بین سلول‌هایی که براساس اثرات بین آزمودنی‌ها تشکیل شده‌اند، برابرند. این پیش‌فرض با استفاده از آزمون ام. باکس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۹) آزمون کلموگروف-اسمیرنوف جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران شرکت‌های بورس	پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های بدون حفاظت از منافع سهامداران شرکت‌های بورس
میانگین	۳/۹۴	۳/۷۶
آماره	۱/۲۰	۱/۰۱
معنی‌داری	۰/۱۱	۰/۲۵

جدول (۱۰) آزمون لوین جهت ارزیابی پیش‌فرض برابری واریانس‌های نمرات متغیرهای پژوهش در گروه‌ها

	آماره لون	سطح معناداری
پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران شرکت‌های بورس	۱/۲۷	۰/۲۶
پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های بدون حفاظت از منافع سهامداران شرکت‌های بورس	۰/۱۰	۰/۷۵

جدول (۱۱) آزمون ام. باکس مربوط به بررسی پیش‌فرض یکسانی ماتریس‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی		آماره آزمون F	آماره آزمون ام. باکس
	اول	دوم		
۰/۲۷	۴/۵۸۲	۳	۱/۲۸۲	۳/۹۳۰

متغیرهای وابسته در بین گروه‌های مختلف برابرند. در ادامه به بررسی معنی‌داری اثر هر متغیر مستقل و تعامل بین هر یک از آنها با استفاده از آزمون‌های چند متغیره پرداخته می‌شود. این آزمون‌ها شامل

باتوجه به جدول (۱۱) چون سطح معناداری آزمون ام. باکس (۰/۲۷) بیشتر از مقدار خطای آزمون (۰/۰۵) است، در نتیجه شرط همگنی ماتریس‌ها پذیرفته می‌شود. پس ماتریس واریانس مشاهده شده

اثر هاله‌ای برابر با ۰/۱۹۶ می‌باشد؛ یعنی بر اساس این آزمون ۱۲ درصد تفاوت‌های ایجاد شده از پارادایم مبتنی در نمرات متغیر وابسته مربوط به حفاظت بالا از منافع سهامداران شرکت‌های بورس می‌باشد. در ادامه به بررسی فرض همسانی بودن ماتریس کوواریانس خطای مربوط به متغیرهای وابسته تبدیل شده نرمال پرداخته می‌شود. این فرض با استفاده از آزمون کرویت موشلی انجام می‌پذیرد. آزمون کرویت موشلی با استفاده از یک آزمون کرویت بر روی متغیر وابسته تبدیل شده نرمال، ساختار ماتریس واریانس-کوواریانس را تایید و اثبات می‌کند.

آزمون‌های اثر پیلای، لاندای ویلکز، اثر هتلینگ و سرانجام بزرگ‌ترین ریشه روی می‌باشد. در بین این آزمون‌ها، هرچند آزمون لاندای ویلکز بیشتر معروف است، اما در عمل اثر پیلای قدرت‌مندتر از سایر آزمون‌هاست.

همان‌طور که در جدول (۱۲) ملاحظه می‌شود، سطوح معنی‌داری همه‌ی آزمون‌ها بیانگر آن هستند که اثرات در مدل معنی‌دار بوده و در مدل نقش داشته اند. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. به عنوان مثال بر اساس آزمون اثر پیلای میزان تأثیر یا تفاوت

جدول (۱۲) نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)

مجدور اتا	سطح معنی‌داری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	آماره آزمون F	مقدار	اثر
۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۱۰۸	۱	۱۵/۶۲	۰/۱۲	آزمون اثر پیلای
۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۱۰۸	۱	۱۵/۶۲	۰/۸۷	آزمون لاندای ویلکز
۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۱۰۸	۱	۱۵/۶۲	۰/۱۴	آزمون اثر هتلینگ
۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۱۰۸	۱	۱۵/۶۲	۰/۱۴	آزمون بزرگ‌ترین ریشه‌روی
۰/۱۱۸	۰/۰۱۳	۱۰۸	۱	۳/۹۴	۰/۰۱	آزمون اثر پیلای
۰/۱۱۸	۰/۰۱۳	۱۰۸	۱	۳/۹۴	۰/۹۸	آزمون لاندای ویلکز
۰/۱۱۸	۰/۰۱۳	۱۰۸	۱	۳/۹۴	۰/۰۱	آزمون اثر هتلینگ
۰/۱۱۸	۰/۰۱۳	۱۰۸	۱	۳/۹۴	۰/۰۱	آزمون بزرگ‌ترین ریشه‌روی

جدول (۱۳) نتیجه آزمون فرضیه پژوهش

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	توان آماری
پیش آزمون	۳۱۵۴/۲۷۳	۱	۳۱۵۴/۲۷۳	۳/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۹۶
گروه	۴۲/۲۳۲	۱	۲۳/۲۳۲	۲/۲۴	۰/۰۰۹	۰/۲۳
خطا	۱۰۰/۴۷۸	۱۰۸	۰/۹۳			

می‌دهد دقت آماری این آزمون عالی است علاوه بر این، حجم نمونه برای آزمایش این فرضیه کافی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی را می‌توان راه‌حل مسأله نمایندگی و مشکلی دانست که بین نماینده (مدیران اجرایی شرکت) و کارفرمایان متعدد (سهامداران، طلبکاران، عرضه‌کنندگان، مشتریان، کارمندان و دیگران که مدیر اجرایی به نمایندگی از شرکت با آنها

براساس اطلاعات به دست آمده از جدول بالا، بین میانگین نمرات دوگروه در متغیر وابسته تفاوت معناداری وجود دارد ($F=۳/۳۹, P=۰/۰۰۰$). و مقدار F تأثیر متغیر مستقل (گروه)، ($F=۲/۲۴, p=۰/۰۰۹$) معنادار است. بنابراین فرض صفر را در سطح ۰/۰۵ رد کرده و با ۹۵ درصد اطمینان پذیرفت که پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران نسبت به شرکت‌های فاقد حفاظت از منافع سهامداران تاثیر بالاتری دارد. توان آماری ۹۶ درصدی نشان

نشان می‌دهد، پارادایم حسابداری قضایی و قانونی در سطح شرکت‌ها به عنوان یک مکانیزم نظارتی اثربخش می‌تواند به حفاظت بیشتر از منافع سهامداران منجر گردد، زیرا احاطه بر قوانین و استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی از جانب شرکت می‌تواند سطحی از اطمینان و اعتماد را در ادراک سهامداران نسبت به عملکردهای شرکت‌های دارای حسابداری قضایی بالاتر ایجاد نماید و این موضوع به افزایش کارکردهای رقابتی شرکت کمک نماید. در واقع همانطور که آرمر و همکاران (۲۰۰۹) بر وجود حفاظت از منافع سهامداران تاکید داشت، باید براساس نظریه تراندیک بیان شود، وجود رویکردهای حقوقی و افزایش مهارت‌های قضایی باهدف جلوگیری از تقلب؛ تحریف و تخلفات مالی همسو با قوانین و مقررات، می‌تواند سطح حفاظت از منافع سهامداران به عنوان یک مبنای نظارت اجتماعی در ساختار حاکمیت شرکت باهدف پیشبرد منافع سهامداران را تقویت کند و باعث شکل‌گیری تداوم پایداری بیشتر در سطح بازار سرمایه گردد. این تداوم در پایداری نظارت‌های حقوقی و قانونی اثربخش نوعی پیوند استعاره‌ای بین محرک و عمل یعنی ایجاد شفافیت‌های بیشتر توسط شرکت و حفاظت از منافع سهامداران محسوب می‌شود و این موضوع تاییدی بر ایجاد سطح اعتماد نسبت به کارکردهای عملکردی شرکت می‌باشد. لذا وجود پارادایم حسابداری قضایی محرک و عاملی برای حفاظت از منافع سهامداران می‌تواند محسوب شود و تلاشی منسجم جهت بررسی انطباق خروجی‌های حسابداری با قوانین و مقررات و کشف تخلفات مالی محسوب می‌گردد که باعث خواهد شد تا حساسیت‌ها نسبت به حفاظت از منافع سهامداران به عنوان یک باور دارای اعتماد در سطح بازار سرمایه گسترش یابد. نتیجه‌ی بدست آمده با پژوهش‌های گریم و همکاران (۲۰۱۶)؛ آگروال (۲۰۱۳) و آرمر و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد. براساس نتیجه بدست آمده پیشنهاد می‌شود، باتوجه به نقش تاثیرگذار ابعاد حسابداری قضایی در عملکردهای توسعه‌بخش سطح شفافیت‌های اطلاعاتی، لازم است از سوی سازمان‌ها و نهادهای

مرتبط است) ایجاد می‌شود. حاکمیت شرکتی به عنوان یک ناظر و کنترل‌کننده‌ی تصمیم‌های مدیران محسوب می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از منافع سهامداران دارد. کیفیت قوانین و مقررات کشورهای مختلف در رسیدگی به موضوع حفاظت از منافع سهامداران در قالب نظارت‌های حاکمیت شرکتی متفاوت است. در برخی کشورها، قواعد حقوقی در قالب حمایت از سهامداران، صرفاً از سطح تدوین قوانین کلان همچون قانون اساسی گذشته و براساس توسعه مبنایی در نظام حقوقی شرکت‌ها در قالب پارادایم حسابداری قضایی توسعه یافته است. وجود این قوانین در سطح نظام حاکمیتی شرکتی می‌تواند باعث گردد تا سطح تخلفات در کم ارزش نمودن منافع سهامداران کاهش یابد و باعث گردد تا کارکردهای اثربخش حمایت از حقوق سهامداران به عنوان یک رویکرد جاری در سطح بازارهای رقابتی مورد توجه قرار گیرد و از این طریق به پویایی بیشتر در افشای اطلاعات و کیفیت تصمیم‌گیری سهامداران و مدیران منجر گردد. لذا هدف این پژوهش توسعه پارادایم حسابداری قضایی در نوسان‌پذیری سطح حفاظت از منافع سهامداران در بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران براساس آزمون نظریه ترندایک بود. در این پژوهش باهدف ارتقای سطح نوآوری در پیوند بین فرآیندهای کیفی و کمی سنجش داده‌های پژوهش، جهت جمع‌آوری داده‌ها در بخش پارادایم قضایی از پرسشنامه‌ی استاندارد و جهت جمع‌آوری داده‌های حفاظت از منافع سهامداران از روش تحلیل آنتروپی استفاده شد. سپس مجموع نتایج ارزیابی شرکت‌ها از نظر تاثیرگذاری حسابداری قضایی براساس دو معیار شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران بالا و حفاظت از منافع سهامداران پایین مورد بررسی تطبیقی قرار گرفت. براساس آزمون فرضیه‌ی پژوهش مشخص شد، پارادایم حسابداری قضایی در شرکت‌های دارای حفاظت از منافع سهامداران نسبت به شرکت‌های فاقد حفاظت از منافع سهامداران تفاوت معناداری دارد. در واقع همسو با نتیجه پژوهش گریم و همکاران (۲۰۱۶)؛ این نتیجه

- ذریبیط همچون سازمان بورس اوراق بهادار تهران مبنایی برای ترغیب و انگیزه‌بخش بودن توجه شرکت‌ها به اهمیت دادن به ماهیت حقوقی عملکردهای مالی و حسابداری صورت پذیرد تا در تحت این شرایط شرکت‌ها اهتمام بیشتری جهت توسعه‌ی مبنایی حقوق خود در افشای اطلاعات و گزارشگری مالی بکار گیرند. به طور مصداقی قرارداد مبنایی از توسعه سطح حسابداری قضایی به منظور تاثیرگذاری بر رتبه افشا یا بالا رفتن رتبه‌ی امتیازی در بین ۵۰ شرکت برتر می‌تواند به ایجاد انگیزه‌ی بیشتر در شرکت‌ها باهدف توسعه ابعاد حسابداری قضایی منجر شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، یکی از راهبردهای اساسی در بهبود وضعیت حمایت از منافع سهامداران، اصلاح قوانین و استانداردها موجود باهدف کاهش پیچ و خم‌های اداری باشد که این موضوع می‌تواند با تغییر احکام موردنظر در قانون تجارت، قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین مرتبط دیگر به افزایش سطح نظارت‌های اثربخش‌تر در حفاظت از منافع سهامداران منجر گردد. وجود این اصلاحات اساسی همچنین می‌تواند در قالب وضع قوانینی با عنوان کارکردهای حقوقی و قضایی حاکمیت شرکتی که مشتمل بر اتخاذ قواعدی در ارکان راهبری شرکت‌ها باهدف ارتقای سطح اثربخشی نظارت‌ها بر کارکردهای اطلاعاتی باشد، صورت پذیرد. باتوجه به نتایج کسب شده برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تا ظرفیت‌های حسابداری قضایی براساس تحلیل‌های کیفی همچون تحلیل نظریه داده بنیاد مورد واکاوی قرار گیرد. از طرف دیگر به منظور افزایش اثربخشی حفاظت از منافع سهامداران پیشنهاد می‌گردد تا با اتکا به تحلیل تفسیری ساختاری، نسبت به تعیین تاثیرگذارترین گزاره‌های پژوهش اقدام گردد.
- فهرست منابع**
- * ابراهیمی، کاظم، بهرامی‌نسب، علی، باغیان، جواد. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانه، دانش حسابرسی، ۱۷(۶۹): ۱۲۵-۱۴۹.
- * اسکندری، حسین، فردانش، هاشم، سجادی، سیدمهدی. (۱۳۸۸). ارتباط گرای: در رقابت یا همسویی با دیگر نظریه‌های یادگیری؟، روانشناسی تربیتی، ۵(۳): ۱۶-۳۳.
- * پورسید، سیدبهبزاد، حسینی، سیدمحمدرضاء، سهرابی، لیلا. (۱۳۹۵). راهکارهای بهبود نظام حاکمیت شرکتی ایران، با تأکید بر شاخص حمایت از سهامداران خرد بانک جهانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۸۱(۴): ۵۷-۹۵.
- * جلیلی، صابر، معصوم پور، یلدا. (۱۳۹۷). اثر حقوق سهامداران و مالکیت درونی بر مدیریت سود، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳۷(۱): ۱۶۳-۱۸۰.
- * دیانتی‌دیلمی، زهرا، سلطانی، اصغر، عمران، حامد. (۱۳۹۷). تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته حسابداری قضایی(دادگاهی) و ضد تقلب، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۵): ۴۱-۱۰۰.
- * زیوری‌کامران، محمدجعفر، فخاری، حسین. (۱۳۹۸). تبیین الگوی حسابرسی داخلی اثربخش از منظر ذینفعان، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۶(۶۴): ۸۱-۱۱۱.
- * شفیع‌زاده، بهاره، حسینی، سیدعلی، رحمانی، علی، سلطانی، محمد. (۱۳۹۷). نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۱(۴۲): ۷۴-۹۵.
- * فخاری، حسین، اسکو، وحید. (۱۳۹۷). تقلب در صورت‌های مالی: نیاز به تغییر الگو به سمت حسابداری دادگاهی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲): ۴۵-۶۰.
- * گل‌محمدی‌شورکی، مجتبی، پورحیدری، امید، بهارمقدم، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدیریت ذی‌نفعان بر سود تقسیمی و ارزش شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۳): ۳۷۱-۳۹۴.

- * Dong, R. (2011). Research on Legal Procedural Functions of Forensic Accounting, Energy Procedia, Elsevier Ltd, 2147-2151, CC BY-NCND license.
- * Emden, A. (1884). The Shareholders' Legal Guide; Being a Statement of the Law Relating to Shares, and of the Legal Rights and Responsibilities of Shareholders. London: William Clowes and Sons.
- * Gray, R. O. & Moussalli, S. D., (2006). "Forensic Accounting and Auditing United Again: A Historical Perspective". Journal of Business Issues, 2: 15-24.
- * Haidar, J, I. (2009). Investor protections and economic growth, Economics Letters, 103(1): 1-4
- * Hamdan, M, W. (2018). The Role of Forensic Accounting in Discovering Financial Fraud, International Journal of Accounting Research, 6(2): 1-6. , <https://doi.org/10.35248/2472-114X.18.6.176>
- * Hsu, Y, F., Waszak, F. (2012). Stimulus-classification traces are dominant in response learning, International Journal of Psychophysiology, 86(3): 262-268. <https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2012.10.002>
- * James, A. D. (2010). An Empirical Investigation of the Relevant Skills of Forensic Accountants, Journal of Education for Business, 83(6): 331-338, <https://doi.org/10.3200/JOEB.83.6.331-338>
- * Kamarudin, K, A., Ariff, A, M., Jaafar, A. (2020). Investor protection, cross-listing and accounting quality, Journal of Contemporary Accounting & Economics, 16(1): 100-179. <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2019.100179>
- * Karadut, A, P. (2012). Effects of E. L. Thorndike's Theory of Connectionism Rudiments on Developing Cello Playing Skills for Beginners, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 69(24): 298-305. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.11.413>
- * Kumari Tiwari, R. and Debnath, J. (2017). Forensic accounting: a blend of knowledge", Journal of Financial Regulation and Compliance, 25(1): 73-85. <https://doi.org/10.1108/JFRC-05-2016-0043>
- * LaPorta, R., Lopez, F., Shleifer, A., & Vishny, R.W. (2000). Investor Protection and Corporate Governance. Journal of Financial Economics, 58(1): 3-27.
- * Nevin, J. (1999). Analyzing Thorndike's Law of Effect: The Question Of Stimulus-response Bonds, Journal of The Experimental Analysis of Behavior, 72(3): 138-109 (65): 16
- * میرزائی، سعیده، عبدلی، محمدرضا، کوشکی جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۶(۶۵): ۱۰۹-۱۳۸
- * ACFE. (2014). Report to the Nations On Occupational Fraud and Abuse, Austin: Association of Certified Fraud Examiners.
- * Agrawal, A. K. (2013). The Impact of Investor Protection Law on Corporate Policy and Performance: Evidence from the Blue Sky Laws, Journal of Financial Economics, 107 (3): 417-435. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2012.08.019>
- * AICPA, A. I. o. C. P. A., (2014). Forensic services audits, and corporate governance: Bridging the gap, New York: Author.
- * Altaf, N., Ahamad Shah, F. (2018). Ownership concentration and firm performance in Indian firms: does investor protection quality matter? Journal of Indian Business Research, 10(1): 33-52.
- * Armour, J., Deakin, S., Sarkar, P., Siems, M., Singh, A. (2009). Shareholder Protection and Stock Market Development: An Empirical Test of the Legal Origins Hypothesis, Journal of Empirical Legal Studies, 6(3): 343-80.
- * Awolowo, I. F., (2014). The Relevance of Forensic Accounting in Mitigating the Audit Expectation Gap. s.l., University of Portsmouth.
- * Brown, J, R., Martinsson, G., Petersen, B, C. (2013). Law, Stock Markets, and Innovation. Journal of Finance, 68(3): 1517-1549. <https://doi.org/10.1111/jofi.12040>
- * Burkart, M., Gromb, D., Mueller, H, M., Panunzi, F. (2014). Legal Investor Protection and Takeovers, Journal of Finance, 69(4): 1129-1165. <https://doi.org/10.1111/jofi.12142>
- * Catania, A. (1999). Thorndike's Legacy: Learning, Selection, And the Law of Effect, Journal of The Experimental Analysis of Behavior, 72(3): 211-259. <https://doi.org/10.1901/jeab.1999.72-425>
- * Chung Yan, G, A., Cronshaw, S, F. (2010). A critical re-examination and analysis of cognitive ability tests using the Thorndike model of fairness, Journal of Occupational and Organizational Psychology, 75(4): 489-509. <https://doi.org/10.1348/096317902321119709>

یادداشت‌ها

- ¹ Kamarudin et al
- ² Gray & Moussalli
- ³ Awolowo
- ⁴ Forensic Accounting
- ⁵ Judicial Accounting
- ⁶ Phiri & Guven-Uslu
- ⁷ Kumari Tiwari & Debnath
- ⁸ Shleifer & Vishny
- ⁹ LaPorta et al
- ¹⁰ Thorndike's Theory
- ¹¹ Shleifer & Wolfenzon
- ¹² Catania
- ¹³ Nevin
- ¹⁴ James
- ¹⁵ Dong
- ¹⁶ Singleton & Singleton
- ¹⁷ ACFE
- ¹⁸ AICPA
- ¹⁹ Investor Protection
- ²⁰ Altaf & Ahamad Shah
- ²¹ Organization Economic Cooperation and Development
- ²² Haidar
- ²³ Reeve & Bonaccio
- ²⁴ Chung Yan & Cronshaw
- ²⁵ Steininger
- ²⁶ Brown et al
- ²⁷ Karadut
- ²⁸ Hsu & Waszak
- ²⁹ Burkart et al
- ³⁰ Graeme et al
- ³¹ Agrawal
- ³² Armour et al
- ³³ Emden
- ³⁴ Mael & Ashforth
- ³⁵ Deshpandé et al
- ³⁶ Chen et al
- ³⁷ Broberg et al
- ³⁸ Skills of Forensic Accounting
- ³⁹ Tools and Procedures Used in Forensic Accounting
- ⁴⁰ Legal Knowledge and the Fields of Forensic Accounting
- ⁴¹ Persakis & Iatridisa

183-209.

<https://doi.org/10.1901/jeab.1999.72-447>

- * Persakis, A, Iatridisa, G. (2016). Audit quality, investor protection and earnings management during the financial crisis of 2008: An international perspective. *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, 12(2): 73–101.
- * Phiri, J. and Guven-Uslu, P. (2019). Social networks, corruption and institutions of accounting, auditing and accountability, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 32 No. 2, pp. 508-530. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-07-2017-3029>
- * Reeve, Ch, L., Bonaccio, S. (2009). Measurement Reliability, the Spearman–Jensen Effect and the Revised Thorndike Model of Test Bias, *International Journal of Selection and Assessment*, 17(1): 61-68. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2389.2009.00451.x>
- * Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A Survey of Corporate Governance. *Journal of Finance*, 52(2), 737-783
- * Shleifer, A., & Wolfenzon, D. (2002). Investor protection and equity markets. *Journal of Financial Economics*, 66(1): 3-27.
- * Singleton, T, W., Singleton, A, J. (2010). *Fraud Auditing and Forensic Accounting*. 4th edition, John Wiley & Sons Inc, New Jersey.
- * Steininger, M. (1979). Objectivity and value judgments in the psychologies of E. L. Thorndike and W. McDougall, *Journal of The History of the behavioral Sciences*, 15(3): 263-281.
- * Zhang, H., Wang, M., Jiang, J. (2018). Investor protection and stock crash risk, *Pacific-Basin Finance Journal*, 43(9): 256-266.